

## عوامل اثربخش در تبلیغ دینی

حجت الاسلام والمسلمین جعفر فکری\*

### اشاره

تبلیغ دینی، کاری بسیار مهم و استمرار حرکت پیامبران است. این وظیفه خطیر پس از پیامبر اسلام، به عهده امامان معصوم علیهم السلام که وارثان علوم پیامبرند، قرار گرفت تا معارف دین را بدون هیچ گونه آرایه و پیرایه‌ای به مردم ارائه کنند و زلال وحی و محتوای دین را از عوامل و عناصر تحریف حفظ نمایند. امامان نیز در ایفای نقش والای رهبری خود، عناصر مخلص را جذب کرده و تربیت می‌نمودند تا به عنوان مبلغان دینی ایفای نقش کنند و مسئولیت ارشاد و هدایت جامعه و انتشار علوم و معارف اسلامی را بر عهده گیرند و مصداق این آیه شریفه قرار گیرند: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»<sup>۱</sup>

مبلغان راستین اسلام، پرتوی از شعاع نبوت تبلیغی را عهده‌دار شده‌اند و با سخن و عمل خویش مردم را با اهداف و تعالیم مکتب اسلام آشنا می‌سازند و فرهنگ دین را در حوزه افکار جامعه نهادینه می‌کنند. بی‌شک، این مسئولیت خطیر، راهکارهایی را می‌طلبد که در این مقاله برآنیم تا درباره مهم‌ترین راه‌های تأثیرگذاری تبلیغ دینی در افکار و اندیشه دیگران سخن بگوییم.

### عوامل مؤثر در تبلیغ دینی

تبلیغ، میدان گسترده و ابزار گوناگونی دارد؛ اما مهم‌ترین ابزار آن، سخن و قلم است. سخن گفتن، کلید ارتباط با دیگران و راه نفوذ بر دل‌آنان است. عوامل متعددی سبب می‌شود که سخن گوینده، مقبول طبع شنونده قرار گیرد و در نهاد او جایگزین شود. در

---

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و پژوهشگر علوم قرآنی.

میان این عوامل، برخی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و نقش کلیدی دارد که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۱. انتخاب موضوع

موضوعی که مبلغ تصمیم می‌گیرد با مردم در میان بگذارد، بسیار اهمیت دارد. هر قدر آن موضوع، از لحاظ دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن، در نظر مردم مهم‌تر جلوه کند و درباره آن بیشتر احساس نیاز داشته باشند، میل به استماع و پذیرش آنان بیشتر خواهد بود.

### ۲. مهارت در بیان موضوع

مبلغ قوی و سخنران نیرومند، می‌تواند مطلب مورد نظر خویش را در کمال زیبایی ادا، و حداکثر توجه مردم را جلب کند. این امر، تأثیر به‌سزایی در اذهان مخاطبان خواهد داشت.

ادای مطالب، اگر مهم‌تر از ماده سخن نباشد، کمتر از آن نیست. چه بسا افرادی که مطالب مهم و ارزشمندی دارند، اما فاقد هنر سخنوری هستند و آن را به گونه‌ای بیان می‌کنند که اثر خوبی نمی‌گذارد؛ بلکه آن مطلب مهم را ناچیز و غیر قابل اعتنا نشان می‌دهد و بر عکس گوینده ماهری همان را به گونه‌ای آراسته به آرایه‌های دلنشین بیان می‌کند که شنوندگان مبهوت و مسحور سخن او شده و تا اعماق جانانشان نفوذ می‌کند.

چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةٌ وَإِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا»<sup>۱</sup> برخی اشعار، دارای معنای حکیمانه است و بعضی سخنان، آن قدر جذاب و مؤثر است که مانند سحر شنونده را مجذوب می‌سازد.

علی رضی الله عنه می‌فرماید: «رُبَّ كَلَامٍ أَنْفَدُ مِنْ سِهَامٍ»<sup>۲</sup> چه بسا کلامی که تأثیرش در شنوندگان، از تیرهای بران و دل شکاف‌زیادتر است.» این مسأله ایجاب می‌کند که

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۷۹.

۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتاب الإسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق، ص ۳۸۲.

مبلغ، علاوه بر مطالعه کافی، در فن بیان و سخنوری مهارت کسب کند و از فنون تبلیغ و از ابزار تأثیرگذار بهره جوید.

نخستین وظیفه اساسی مبلغ آن است که بداند چه می‌خواهد بگوید و با چه نظم و ترتیبی آن را ادا کند و برای مقبولیت آن فضا سازی نماید.

### ۳. قانع کننده بودن سخن

مبلغ باید در موضوعی که مورد بحث قرار می‌دهد، آن قدر قوی و مسلط باشد که بتواند مخاطبان را در درستی و اصالت مطلبی که بیان می‌کند، قانع نماید و آنان را با خود موافق و هم‌عقیده سازد. انجام این کار مهم، در گرو آن است که از جایگاه و ارزش علمی لازم برخوردار و به میزان منزلت اجتماعی و علمی خود آگاه بوده، حدّ خویشتن را بشناسد و تنها در موضوعی که شایستگی آن را دارد، صحبت کند و از محدوده آن خارج نشود؛ وگرنه سخنانش ارزش و اعتبار چندانی پیدا نخواهد کرد. اگر مردم بدانند که مبلغ صادقانه سخن می‌گوید و در زمینه بحثش از دانش کافی برخوردار است، راهنمایی او را پذیرا می‌شوند؛ در حالی که اگر متوجه شوند او از آگاهی لازم برخوردار نیست، در پذیرش سخن او رغبتی نشان نمی‌دهند. داستان زیر، نمونه خوبی برای این حقیقت است.

### داستانی از کشیش ناموفق:

محقق خراسانی - که مردی وارسته و دانشمند بود و تا سن ۸۰ سالگی منبر می‌رفت - می‌گفت:

«واتیکان برای تبلیغ مسیحیت، مبلغان فراوانی تربیت کرد و هر یک را به زبان مخصوص منطقه‌ای که مورد نظرش بود، آشنا کرد. یکی از آنان را برای مرزهای شمالی ایران فرستاد. قبل از رسیدن آن مبلغ مسیحی، خانه‌ای را در روستای مرزی خریداری کرده و به عنوان کلیسا قرار داده بودند تا مبلغ پس از ورودش به محل، برای تبلیغاتش جا و مکان داشته باشد.

مبلغ مسیحی نزدیک روستا که رسید، نوجوانی سیزده یا چهارده‌ساله را دید که با تعدادی گوسفند رهسپار صحرا بود. کشیش با او برخوردی محبت‌آمیز کرد و نشانی کلیسا را از او پرسید. نوجوان نشانی محل را به او داد. کشیش گفت: آفرین فرزندم، چه

نوجوان عزیز و با کرامتی هستی. من از تو دعوت می‌کنم وقت غروب به کلیسا بیایی. نوجوان پرسید: برای چه؟ گفت: برای این که راه بهشت را به تو نشان دهم. نوجوان نظری به چهره کشیش انداخت و گفت: برو بیچاره بدبخت. تو که از پیدا کردن کلیسا در گوشه یک روستا عاجز هستی و نشانی آن را از من پرسیدی، چگونه قدرت داری نشانی بهشت خدا را که در فضایی بی‌نهایت از معنویت است، در اختیار من بگذاری؟! کشیش، به فراست دریافت که عالمی بیدار و ناصحی دلسوز و واعظی بینا بر این روستا اشراف دارد که با بودن او، امکان تبلیغ مسیحیت نیست. به همین جهت، از همان جا بازگشت.<sup>۱</sup>

این داستان به ما می‌آموزد که تبلیغ وقتی مؤثر واقع می‌شود که مردم علم و صلاحیت مبلّغ را باور داشته و او را راهنمایی آگاه بدانند.

#### ۴. مخاطب شناسی

چون مقصود از تبلیغ دینی، ارشاد و هدایت مردم به راه حق و سوق دادن آنان به ایمان و اعتقاد به تعالیم الهی است، مبلّغ باید درجه عقل، نیروی درک، سطح فرهنگ، ظرفیت معنوی، استعداد فکری، قدرت فراگیری و طرز تفکر مخاطبان را بسنجد و با آن معیار، مطالب خود را بیان کند. مسأله سخن گفتن در خور فهم شنوندگان، آن قدر مهم و شایان ملاحظه است که تمام پیامبران الهی، در راه تبلیغ دین خدا، به آن مأموریت یافتند و مبلّغان اسلامی نیز باید این وظیفه اساسی را همواره رعایت کنند.

برای رسیدن به این هدف، رعایت دو نکته ضروری است:

اول: موضوعی را که برای بحث انتخاب می‌شود، شایسته و متناسب با فهم مخاطبان باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «قَامَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَطِيباً فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَقَالَ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، لَاتُحَدِّثُوا الْجُهَالَ بِالْحِكْمَةِ؛ فَتَظْلِمُوهَا، وَ لَا تَمْنَعُوهَا أَهْلِهَا؛ فَتَظْلِمُوهُمْ»<sup>۲</sup> حضرت مسیح بن مریم، بین بنی اسرائیل برای خطابه به پاخاست. فرمود: ای بنی اسرائیل، مطالب حکیمانه را با افراد جاهل در میان نگذارید که این ظلم به حکمت است و آن را از افراد شایسته منع مکنید که ظلم به شایستگان است.»

۱. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۵۷.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۰۱.

رسول اکرم، فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»<sup>۱</sup> ما پیامبران، مأموریت داریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم.» همچنین در روایت آمده است: «مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ»<sup>۲</sup> رسول گرامی اسلام هرگز با مردم، به عمق عقل و کنه خرد خود سخن نگفت؛ یعنی معیار گفتار آن حضرت با مردم، درجات عقل آنان بود.

### ۵. شخصیت مبلغ

به هر نسبتی که مبلغ نزد مردم محبوب تر و مقبولیتش در جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت توجه مردم به سخنش زیادتر و اثر کلامش در آنان فزون تر خواهد بود. در این باره به بیان یک داستان بسنده می کنیم.

#### محدث قمی، مبلغی تأثیرگذار:

یکی از علمای تهران که سالیان دراز در زمان مرجعیت حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه در قم بوده، حکایت می کند: زمانی که محدث قمی، صاحب «مفاتیح الجنان»، به قم آمد، مرحوم حاج شیخ به مدت ۱۰ شب از وی جهت سخنرانی بعد از نماز مغرب و عشا دعوت کرد و آن مرد شایسته و با تقوا، دعوت آن جناب را پذیرفت و شبها در صحن حرم حضرت معصومه علیها السلام جهت مردم و طلباب به وعظ و موعظه پرداخت. خدمت مرحوم حائری عرضه داشتند که نظر شما نسبت به منابر حاج شیخ عباس چیست؟

با یک دنیا ادب فرمود: هر طلبه ای را کنار منبر او بینم و نشستن او را پای موعظه محدث مشاهده کنم، تا سه روز حاضرم تمام نمازهای واجب خود را به او اقتدا کنم؛ زیرا منابر و مواعظ این مرد، در شنونده ایجاد روح عدالت می کند؟! آری، واعظ وقتی صاحب معرفت، اهل معنا و صفا و متخلّق به اخلاق الهی و آراسته به صدق و خلوص باشد، شنونده لایق را از چاه ضلالت به عرش کرامت، و از

۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الإسلامية، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳.

وادی اضطراب به فضای امن، و از نقطه دور به مقام قرب، و از بیابان هجران به گلستان وصال می‌رساند. موعظه انسان بیدار، همچون نَفَسِ مَسِيحِ جان‌بخش است.

از شیخ انصاری نقل شده که گاهی در پایان درس در روز چهارشنبه سؤال می‌کردند: حاج شیخ جعفر شوشتری کجا وعظ و موعظه دارد که روح متألم و کدر شده و دل زنگار گرفته است؟ یا می‌پرسیدند: امروز یا امشب، منبر واعظی که زنگ از دل ببرد، کجا است؟<sup>۱</sup>

### ۶. تبلیغ عملی

اگر گفته‌های مبلغ با اعمال او هماهنگی و مطابقت داشته و تقوا و درستکاری وی نزد مردم روشن باشد، سخنانش در بین مؤمنان مؤثر واقع می‌شود و مسلمانان راستین او را با دیده تکریم و احترام نگریسته و دستورش را با علاقه‌مندی و رغبت به کار بسته و صمیمانه از وی اطاعت می‌کنند و چنین مبلغی، هرچند از جهت فن بیان هم ضعیف باشد، پاکی و تقوا، ضعفش را جبران کرده و درستکاری و صحت عمل، موجب نفوذ کلامش خواهد شد. اما اگر مبلغ، در فن سخن قوی و نیرومند باشد، ولی به گفته‌های خود که تعالیم الهی است، آن طور که باید، عمل نکند، در جامعه اسلامی قدر و منزلتی نداشته و سخنانش در مردم اثر عمیق نخواهد گذاشت.

از این رو، پیشوایان گرامی اسلام به تمام کسانی که دعوت‌کننده مردم به سوی الگوهای فضیلت و اسوه‌های کمال، یعنی دوستی اهل بیت علیهم‌السلام بودند، توصیه می‌فرمودند که مردم را با رفتار درست و کارهای پسندیده خویش به سوی خدا بخوانند و تنها به گفتن بسنده نکنند. در ذیل، بعضی از این روایات ذکر می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام، به عبدالله بن جندب فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَ مَنَارًا كَانُوا دُعَاةً إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَ مَجْهُودٍ طَاقَتِهِمْ»<sup>۲</sup> خداوند رحمت کند آنان را که چراغ روشن و پایگاه بوده، مردم را با اعمالی که انجام می‌دهند و کوشش‌هایی که در توان دارند، به سوی ما دعوت می‌کنند.»

۱. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۵۷.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق/

۱۳۶۳ش، ص ۳۰۱.

علی علیه السلام فرمود: «عَلِّمُوا النَّاسَ الْخَيْرَ بَعْدَ الْإِسْلَامِ وَ كُونُوا دُعَاءَ لَهُمْ بِفِعْلِكُمْ وَ الزُّمُوا الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ»<sup>۱</sup> خیر و خوبی را به مردم یاد بدهید، با غیر زبان خود و آنان را به نیکوکاری دعوت نمایید، با اعمال پسندیده خویش و همواره در عمل، ملازم راستی و تقوا باشید.»

در قرآن مجید نیز دعوت به سوی خدا قرین عمل صالح ذکر شده است که فرمود:

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا»<sup>۲</sup>

بنابراین، ارزش دعوت به سوی خدا و تبلیغ آیین الهی، در گرو نیک‌کرداری دعوت‌کنندگان و مبلغان آن است.

### روش پیامبر اسلام

از جمله علل پیشرفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و گرایش مردم به دین اسلام، این بود که رسول اکرم، به گفته‌های خویش عمل می‌کرد و آنچه را از احکام دین به مردم ابلاغ می‌فرمود، خود، پیش از دیگران به کار می‌بست. همین امر، بر اطمینان خاطر مردم افزوده و موجب تشدید علاقه آنان به دین حق می‌گردید. علی علیه السلام که خود بزرگ‌شاگرد مکتب قرآن شریف است، فرموده:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةِ إِلَا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَا وَ أَتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا»<sup>۳</sup> ای مردم، به خدا قسم! هیچ وقت شما را به طاعتی ترغیب ننمودم، مگر آن‌که خود، قبل از شما به آن سبقت جستم و هیچ وقت شما را از معصیتی نهی ننمودم، مگر آن‌که خویشتن را پیش از شما از آن باز داشتم.»

همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ غَوَايَةً أَنْ يَأْمُرَ النَّاسَ بِمَا لَا يَأْتِمُرُ بِهِ وَ يَنْهَاهُمْ عَمَّا لَا يَنْتَهِي عَنْهُ»<sup>۴</sup> برای گمراهی یک انسان، کافی است که مردم را به چیزی امر کند که خود امتثال نمی‌نماید و از چیزی نهی کند که خود از آن باز نمی‌ایستد.»

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت، ج ۲، ص ۲۱۰.

۲. فصلت، آیه ۳۳.

۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۰.

۴. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ش، ج ۴، ص ۵۸۴.

به قول شاعر:

و غیر تقی یأمر الناس بالتقی طیبب یداوی الناس و هو علیل  
 علی علیه السلام فرمود: «يَقْبُحُ عَلَى الرَّجُلِ أَنْ يُنْكَرَ عَلَى النَّاسِ مُنْكَرَاتٍ وَيَنْهَاهُمْ عَنْ رَذَائِلَ وَ  
 سَيِّئَاتٍ وَإِذَا خَلَا بِنَفْسِهِ ارْتَكَبَهَا وَلَا يَسْتَنْكِفُ مِنْ فِعْلِهَا»<sup>۱</sup> برای مرد، قبیح است که با  
 حضور مردم، منکراتی را منکر شمارد و از رذایل و گناهان نهیشان نماید و چون تنها  
 شود، خود، آن‌ها را مرتکب گردد و از انجام معاصی ابا نداشته باشد.»

در تاریخ مبلغان دینی، کسانی هستند که نامور شده‌اند، مانند مرحوم حاج شیخ  
 جعفر شوشتری. وقتی در شرح حال آنان مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم رفتار و عمل، پشتوانه  
 گفتار پُر ثمرشان بوده است.

مرحوم سید عبدالزهراء حسینی خطیب درباره اهمیت خطابه می‌گوید: خطابه، شغل  
 دشواری است؛ زیرا خدای تعالی از ما راستی در گفتار و اخلاص در عمل را خواسته  
 است و این‌که به آنچه دیگران را بدان امر می‌کنیم، خود عامل به آن باشیم و از آنچه  
 دیگران را نهی می‌کنیم، خود نیز مرتکب آن نشویم.

آن‌گاه اضافه می‌کند: شنیدم شیخ جعفر شوشتری در جایی که تبلیغ می‌کرد و منبر  
 می‌رفت، روزی برده‌ای که چون دیگر مؤمنان پای منبر او حاضر می‌شد، به شیخ گفت:  
 نفوذ کلام تو به قدری است که صاحب من هرچه از شما می‌شنود، به کار می‌بندد. از  
 شما تقاضا می‌کنم روزی درباره اهمّیت و ثواب بنده آزاد کردن بحث کنید؛ بلکه سخن  
 شما را بشنود و تحت تأثیر قرار گیرد و مرا آزاد کند. شیخ به او قول داد که این کار را  
 انجام دهد. از آن پس، برده هر روز در مجلس شیخ حضور می‌یافت؛ اما سخنی در این  
 باره نمی‌شنید. حدود شش ماه از قرار شیخ گذشته بود و او گمان می‌کرد شیخ فراموش  
 کرده است؛ اما بر خلاف انتظار، روزی دید شیخ مفصل درباره ثواب آزاد کردن برده داد  
 سخن داد و چون مجلس پایان یافت، برده هم به منزل برگشت و منتظر باز گشت  
 صاحبش ماند تا بازتاب سخن شیخ را در او ببیند. وقتی صاحبش به منزل برگشت،  
 خطاب به وی گفت: «أَنْتَ حُرٌّ لِرُؤْيِهِ اللهُ تَعَالَى؛ تو در راه خدای متعال آزادی.» برده  
 آزادشده با شوق فراوان جهت تشکر نزد شیخ رفت و در ضمن، علت دیر مطرح کردن

۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش، ص ۳۸۶.



مسأله را نیز از شیخ جويا شد. شیخ پاسخ داد: همیشه درخواست تو به یادم بود و هیچ گاه آن را فراموش نکردم؛ اما چون خود را ملزم کرده‌ام که چیزی را به دیگران امر نکنم، جز این که پیش از آنان خود بدان عمل کرده باشم و از چیزی نهی نکنم، جز آن که پیش از آنان آن را ترک کرده باشم و در این روش، به امیرمؤمنان (ع) تأسی نموده باشم. از این رو، از روزی که از من خواستی درباره آزادی برده صحبت کنم، روزانه مقداری از خرج زندگی خود کاستم و کنار گذاشتم تا مالی جمع شود و پیش از سخنرانی برده‌ای خریده در راه خدا آزاد کنم که امروز توانستم با آن پول عبدی خریده آزاد سازم. آن گاه درباره ثواب آن برای مردم سخن بگویم و آنان را به این کار تشویق کنم.<sup>۱</sup>

آری، سخن چنین عالمان عامل است که در عمق جان مخاطبان می‌نشیند و جزء نهاد آنان می‌شود.

#### ۷. خیرخواهی سخنور

حضرت هود (ع) به قومش فرمود: «أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ»<sup>۲</sup> پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.» سخنور باید به گونه‌ای باشد که شنونده بفهمد او از روی خیرخواهی مطالب را بیان می‌کند و نه اغراض و منافع شخصی. بسیاری از موارد که سخن گوینده‌ای بی‌تأثیر می‌شود، برای این است که خیرخواهی و بی‌غرض بودن گوینده برای شنوندگان آشکار نشده است. در این صورت، خطیب و سخنور وظیفه دارد با مقدمه‌چینی لازم، ابتدا خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی خود را اثبات کند آن گاه مطلبش را بیان کند تا مؤثر واقع شود. داستان تاریخی زیر، این حقیقت را به روشنی نشان می‌دهد.

#### شاهدی از سیره پیامبر ﷺ:

محمد بن اسحاق گوید: حضرت رسول از اموال حنین ۱۰۰ شتر به ابوسفیان، ۱۰۰ شتر به معاویه، ۱۰۰ شتر به حکیم بن حزام، ۱۰۰ شتر به حارث بن کلد، ۱۰۰ شتر به حارث بن هشام، ۱۰۰ شتر به جبیر بن مطعم، و ۱۰۰ شتر به مالک بن عوف نصری

۱. الداخل، سید حسن، من لایحضره الخطیب، مؤسسة البلاغ، بیروت لبنان، ج ۲، ص ۱۵.

۲. اعراف، آیه ۶۸.

دادند... . جماعتی از انصار، از جریان تقسیم غنایم ناراضی شده، سخنان زشتی بر زبان جاری کردند. یکی از آنان گفت: این مرد، خویشاوندان و بنی‌اعمامش را بر ما انصار که در یاری کردن او مشقت‌های فراوانی دیدیم، ترجیح داد.

هنگامی که حضرت رسول، از نیت انصار مطلع شد، امر کرد آنان در یک جا اجتماع کنند و دیگران در جلسه آن‌ها شرکت نداشته باشند. پس از این، در حالی که مقداری خشمگین به نظر می‌رسید و علی علیه السلام را نیز همراه خود داشت، در اجتماع آنان شرکت نمود و در میان مجلس در وسط مردم نشسته، گروه انصار را مخاطب قرار داده، فرمود: آیا شما در کناره حفره‌ای از آتش قرار نداشتید و من نزد شما آمدم و خداوند به وسیله من شما را از افتادن در آتش نجات داد؟ گفتند: آری، چنین است و ما منت خدا و رسول را قبول داریم و از این نعمت و فضیلت سپاس‌گزاریم. آن‌گاه حضرت فرمود: من نزد شما آمدم؛ در حالی که همه با هم دشمن بودید و خداوند بین شما الفت و مودت قرار داد. گفتند: آری، چنین است.

پس از این، فرمود: من در حالی نزد شما آمدم که عدد شما بسیار کم بود و خداوند به وسیله من شما را نیرو داد و بر جمعیت شما افزود. پس از آن، سکوت نمود و بعد گفت: چرا جواب نمی‌دهید؟ گفتند: جواب می‌دهیم ای رسول خدا! پدر و مادر ما فدایت باد، منت شما را قبول داریم و از این شرافت و فضیلت سپاس‌گزاریم.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: ممکن است بگویید: شما را تکذیب کردند و از خانه و زندگی بیرون نمودند. پس ما شما را مکان دادیم و گفتارت را تصدیق کردیم و خوف را از شما برطرف ساختیم و وسایل آسایش شما را فراهم کردیم. در این هنگام، فریاد انصار بلند شد و بزرگان و مشایخ آن‌ها به پا خواستند و دست و پای حضرت را بوسیدند و گفتند: ما از خدا و رسولش رضایت داریم. اینک اموال ما را هم اختیار دارید که قسمت نمایید. سپس حضرت رسول، فرمود: ای گروه انصار! من برای این‌که عده‌ای را راضی داشته باشم و دل آنان را به دست بیاورم، مقداری از این اموال را به آن‌ها بخشیدم؛ ولی شما را به ایمان خودتان واگذار کردم.

ای گروه انصار! شما چگونه راضی نمی‌شوید که دیگران با گوسفندان و شتران باز گردند و شما به اتفاق رسول خدا مراجعت کنید. پس از این فرمود: جماعت انصار از یاوران و افراد مورد اعتماد من هستند. اگر همه مردم به طرفی روانه و انصار به طرفی،

من به راه انصار خواهم رفت. پروردگارا! انصار و فرزندان انصار را مورد لطف و مرحمت خود قرار بده.<sup>۱</sup>

این قضیه نشان می‌دهد که پیامبر، چگونه توانست با تبیین کار خود، افکار گروه انصار را روشن ساخته و دل آنان را به دست آورد و حقانیت کار خویش را اثبات نماید.

جهت مطالعه بیشتر، به کتاب‌های ذیل مراجعه کنید:

۱. گام‌هایی در راه تبلیغ، علامه سید محمد حسین فضل‌الله، ترجمه دکتر احمد بهشتی، چاپ مرکز نشر؛
۲. تبلیغ، محمدتقی رهبر، سازمان تبلیغات اسلامی؛
۳. قرآن و تبلیغ، استاد محسن قرائتی؛
۴. سخن و سخنوری، از نظر بیان و فن خطابه، استاد محمدتقی فلسفی، انتشارات الحدیث.

---

۱. طبرسی، فضل بن علی، اعلام الوری، اسلامیه، تهران، ص ۱۱۹.